

سرور شهیدان خرداد و استمرار مبارزه حوزه علمیه قم...

صفحه ای از تاریخ معاصر
سید هادی خسرو شاهی



زنده یاد آیت الله ربانی شیرازی همراه شهید آیت الله سعیدی با انتشار اعلامیه ای با نام «حوزه علمیه قم» که در نشر آن هر یک از ما، مانند گذشته نقشی را به عهده داشتیم، این بار لبه تیز حمله را به طور مستقیم متوجه «شاه مزدور»، عامل اصلی خیانت ها نمودند و «این اقدام ننگین» را «مقدمه استعمار حقیقی و همه جانبه ایران» نامیده و از «مردم ایران» خواستند که «به پا خیزید و نگذارید این نقشه خائنانه عملی گردد». آیت الله سعیدی در تهران علاوه بر توزیع وسیع این اعلامیه، اطلاعیه ای را که به زبان عربی پخش کرد و این بار «جمال الدین» وار فریاد بر آورد: «به حقیقت سوگند که این مسئله مصیبتی است و مسائل دیگر مانند امتیاز تنباکو و کاپیتولاسیون و... در برابر آن ناچیز و کوچک است. امروز روز فریاد و اعتراض مستمر و همه جانبه است... فریاد خشم خود را برآوردید تا در برابر مجاهدان پیشین چون جمال الدین و شیرازی و نسل جدید، روسفید باشید. **السعیدی الخراسانی**».

سید بزرگوار، به موازات نشر این اطلاعیه و اخطار، در مسجد خود نیز سخنرانی افشاگرانه ای را علیه این توطئه خائنانه ایراد کرد و همین اقدامات موجب دستگیری وی در تاریخ ۱۱ خرداد ماه ۱۳۴۵ گردید. البته این بار اول نبود که سید بزرگوار دستگیر می شد و انتظار هم آن بود که پس از چند صبحا وی را آزاد کنند؛ ولی گویا سرمایه داران و باند «محارب» حاکم بر آمریکا و مزدوران داخلی ایران، این بار «قربانی» می خواستند تا به خیال احمقانه خود، در تحکیم پایه های نظام آن مؤثر واقع گردد؛ و بی شک در همین راستا بود که سید بزرگوار را «قربانی» کردند. روز ۲۱ خرداد، در قم گفته شد که آیت الله سعیدی در زندان شهید شده است؟ کسی خبر را باور نداشت. ایادی رژیم هم شایع کردند که «وی در زندان خودکشی کرده است؟!». دروغی که جز سواپی بانیان آن، هیچ اثر دیگری نداشت. به هر حال خبر شهادت آیت الله سعیدی باور کردنی نبود، اما پس از اطلاعات موثقی که به دست آمد، روشن شد که در صبح ۲۱ خرداد، دژخیمان طاغوت، سید را در زندان با عمامه خود خفه کرده و جنازه او را همراه پسر بزرگش به قم فرستاده اند که در «وادی السلام» دفن شود و لایذ عبرتی! برای سایرین گردد.

به خاطر دارم که مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج شیخ مرتضی حائری (قدس سره) که در این قبیل موارد بی باکانه و با احساس مسئولیت تمام، اقدام می کرد، با اخلاص تمام، در روز جمعه ۲۲ خرداد ماه در مدرسه فیضیه مجلسی به عنوان یادبود آن شهید بزرگوار برگزار کرد و خود پیش از همه در آنجا حضور یافت و سید شجاع «همیشه در تبعید» که یادش به خیر باد حجت الاسلام «سید احمد کلانتر» هم سخنرانی پر شور و بی باکانه ای را در مدرسه ایراد نمود و از امام خمینی که در آن روزگار بردن نامش جرم بود، تجلیل نمود و آنگاه پیشنهاد کرد که حضار برای بزرگداشت

گوشزد نمود؛ گر چه در این راه خود جان باخت که چنان چه ارزد ذره ای در راه دوست؟
اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ و به هنگام آغاز پیدایش کنسرسیوم سرمایه داری آمریکایی-یهودی در ایران! و در جو خفقان حاکم بر همه جا، این روحانیت مبارز قم و تهران بود که با نشر اعلامیه هایی به روشنگری پرداخت و مخالفت خود را با اجرای طرح جدید امپریالیسم در ایران، اعلام داشت و این درست به هنگامی بود که رژیم شاه حتی تحمل شنیدن یک سخن و یا دیدن یک اعلامیه مخالف را هم نداشت و هر «اخلاقگر و باغی و خرابکاری!» که به این امور می پرداخت، در معرض زندان و شکنجه و تبعید و اعدام قرار می گرفت و هیچگونه گذشت و اغمازی نیز در کار نبود! مصلحت گرایان ساده اندیش، با تردید به فکر یافتن شیوه های مناسب تری برای اعتراض و آغاز مخالفت! بودند، ولی در این میان حوزه علمیه قم و تربیت یافتگان مکتب آن، با اقدام خود نشان دادند که «شرایط مناسب» را همیشه به طور طبیعی نمی توان به دست آورد، بلکه گاهی باید آن را با گستاخی و بی باکی تمام، به وجود آورد.

شهادت نواب صفوی، آیت الله غفاری، آیت الله سعیدی و جوانان مسلمان با ایمانی که آغازگران نبرد مسلحانه و آشتی ناپذیر با نظام طاغوت بودند، نمی تواند با دیگر شهادت ها در یک مرتبه قرار گیرد. اینها همه، سروران، پرچمداران، مشعلداران و راهگشایان نبرد و شهادت، در تاریک ترین و سخت ترین روزهای حاکمیت رژیم ترور و اختناق شاهی بودند.

این قصه را «الم» باید
و از «قلم» هیچ ناید

خرداد ماه یادآور خاطره شهیدان بی شماری است. از شهیدان گمنام ۱۵ خرداد، آغازگران عصیان علیه طاغوت تا شهید آیت الله سعیدی، سرور شهیدان خرداد که در قله اخلاص و ایثار، با نثار خون خود، مشعلی فروزان بر سر راه دیگر رهروان راه حق و عدل برافروخت و نشان داد که در همه جا و همه وقت، تنها سخن کافی نیست. درست است که شهیدان، همه در نزد حق تعالی زنده اند، ولی نمی توان گفت مقامات و مراتب آنها، با توجه به نوع «نثار و ایثارشان» یکسان است. شهادت نواب صفوی، آیت الله غفاری، آیت الله سعیدی و جوانان مسلمان با ایمانی که آغازگران نبرد مسلحانه و آشتی ناپذیر با نظام طاغوت بودند، نمی تواند با دیگر شهادت ها در یک مرتبه قرار گیرد. اینها همه، سروران، پرچمداران، مشعلداران و راهگشایان نبرد و شهادت، در تاریک ترین و سخت ترین روزهای حاکمیت رژیم ترور و اختناق شاهی بودند و البته بزرگداشت خاطره آنها، فقط برای «تذکار» و احتمالاً «پندآموزی» ما زندگان است و گرنه آنها که به حق پیوسته و آن شده اند که در «وهم» نیاید، چه نیازی دارند که «یادی» از آنها بشود یا نشود؟

بی شک یکی از بارزترین این «نمونه ها» آیت الله سعیدی بود که در بحرانی ترین شرایط اختناق ضدانسانی شاه و در نیرومندترین مراحل سرسپردگی نظام طاغوت به باند تبهکار حاکمیت میلیتاریست کاپیتالیست غرب و به هنگامی که سرمایه داران کمپانی های خون آشام آمریکا: مانهاتان، راکفلر، لیلیا نتال و دیگران، برای «سرمایه گذاری در ایران»، می خواستند کنسرسیوم دیگری در کنار کنسرسیوم نفت ایجاد کنند، فریاد برآورد، هشدار داد، اخطار کرد، آگاهی بخشید، مردم را بیدار ساخت و خطر را

ربانی شیرازی و حضرات آقایان مروارید، کلانتر، سالاری، سلیمانی و دیگران.
متن اصلی اعلامیه‌ای که درباره شهادت آیت الله سعیدی یک روز پس از شهادت در حوزه علمیه قم منتشر گردید، به شرح ذیل است. شایان ذکر است که متن اعلامیه حوزه علمیه قم به خارج هم ارسال شد و با الصاق عکسی از شهید، از سوی انجمن‌های اسلامی دانشجویان در مقیاس وسیعی در اروپا تکثیر گردید.
متن اعلامیه چنین بود:
شهیدی از روحانیت
آیت الله حاج سید محمد رضا سعیدی خراسانی در زندان کشته شد.

مردم مسلمان ایران!

جلادان دستگاه جبار، جنایت دیگری را مرتکب شده و یکی از فداکارترین و مخلص‌ترین افراد روحانی و مبارز را پس از ده روز شکنجه ضد انسانی و وحشیانه، به قتل رسانیدند.



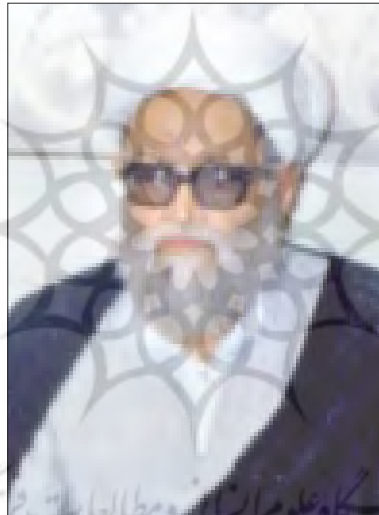
شهید آیت الله مرتضی مطهری

آیت الله سعیدی که از فارغ التحصیلان حوزه علمیه قم بود، در سال‌های اخیر در تهران اقامت داشت و ضمن ارشاد مردم و نشر اصول اسلام، به مبارزه روحانیت علیه جنایات و فجایع دستگاه جبار ادامه می‌داد. آیت الله سعیدی در سال‌های اخیر چندین بار توسط دژخیمان دستگاه دیکتاتوری دستگیر و مدت‌ها زندانی شده بود و سرانجام به خاطر نشر اعلامیه‌ای علیه طرح استعماری سرمایه‌گذاری بیگانگان استثمارگر آمریکایی و یهودی در ایران، ۱۰ روز پیش دستگیر شد و در زندان تهران زیر شکنجه قرون وسطایی قرار گرفت و کشته شد.

دژخیمان دستگاه، جنازه این شهید عزیز روحانیت را شبانه به قم آوردند و در گورستان قم دفن کردند؛ ولی بلافاصله جنایت جلادان دستگاه فاش شد و موج اعتراض روحانیت و فضای قم بالا گرفت و مجالس ترحیم از طرف طلاب برپا شد. به دنبال این فاجعه بزرگ، روحانیت عالی مقام دیگری مانند آیت الله منتظری، حجت الاسلام ربانی شیرازی و خطیبایی چون آقای مروارید و آقای کلانتر و گروهی از طلاب مجاهد قم چون آقای سالاری و سلیمانی دستگیر و به زندان‌های تهران اعزام شدند.

افسرده خاطر و غمناک از پیش آقای مطهری بیرون آمدیم. در راه به آقای خسروشاهی گفتیم: «باید کاری کرد. این برای مانگ است که روحانی برجسته و عالیقدری را ددمنشانه و با کمال قساوت در زیر شکنجه به قتل برسانند و حوزه علمیه را خفقان بگیرد و از هیچ کس صدایی بلند نشود. وی نیز هم عقیده من بود و بر اینکه باید کاری کرد، اصرار ورزید. پس از تبادل نظر، قرار شد آقای خسروشاهی به مناسبت این فاجعه اسفناک، اعلامیه‌ای بنویسد که به سرعت و همراه با شور و درد و احساس مسئولیت، نوشت و من نیز یکی دو جمله آن را اصلاح کردم و آماده چاپ شد.

اما از همکاران «بعث» جز من و آقای خسروشاهی، دیگر کسی در قم نبود. آقای رفسنجانی به تهران مهاجرت کرده و در آنجا با پایمردی و استقامت، به مبارزات خویش ادامه می‌داد و آقای سید محمود داعی نیز به نجف اشرف مهاجرت کرده و سازمانی برای روحانیت مبارز در خارج از



مرحوم آیت الله حاج آقا مرتضی مطهری

کشور پی افکنده و شریفی گرگانی نیز در مسافرت بود. تنها به منزل وی که مرکز پلی‌کپی‌ها بود، رفتم و به زحمت اعلامیه را تکثیر کردم و بیرون آمدم. بحمد الله اعلامیه در سطح گسترده‌ای انتشار یافت و توسط آقای خسروشاهی به خارج از کشور ارسال شد و عین آن به طور مستقل، در یکی دو نشریه فارسی زبان خارج نیز تجدید چاپ و تکثیر شد. البته این اعلامیه نیز مانند بسیاری از اعلامیه‌ها تماماً امضای «حوزه علمیه قم» را داشت؛ ولی نشریه بعثت را به عنوان «ارگان دانشجویان حوزه علمیه قم» منتشر می‌ساختیم...

آری این اعلامیه که جنایت وحشیانه رژیم شاه را بی‌باکانه افشا می‌کرد و به جای «دولت» و «مأمورین»، لبه تیز حمله را متوجه حاکمیت وقت، «دستگاه جبار» و «دستگاه دیکتاتوری» و «طبقه حاکمه» ساخته بود، این هشدار را نیز به رژیم می‌داد که «شهادت آیت الله سعیدی، ما را از راهی که در مبارزه بر ضد توطئه‌های استعمار بین‌المللی در پیش داریم، باز نمی‌دارد.» و جالب‌تر آنکه تاریخ نشر آن همان جمعه ۲۲ خرداد ماه ۴۹ بود، یعنی یک روز پس از شهادت آیت الله سعیدی و دستگیری آیت الله منتظری، آیت الله

شهید عزیز، بر سر مزار وی در «وادی السلام» حضور یابند... در آنجا هم سید شجاع، سخنرانی کوتاه دیگری را ایراد کرد و بلافاصله توسط مأمورین دستگیر شد و به زندان انتقال یافت تا مرحله سه ساله دیگری از تبعید را آغاز کند. شجاعت و بی‌باکی مبارزین راه حق و عدل، در چنین شرایط خطرناک و فضای وحشت‌گرفته‌ای، بیانگر اصالت و صداقت آنها بود.

در جایی که با یک اعلامیه و سخنرانی، انسانی را دستگیر می‌کنند و چند روز بعد جنازه او را تحویل می‌دهند، سخنران بعدی و یا اعلامیه نویسنده پس از او، یا باید با در نظر داشتن چنین سرنوشتی، «اقدام» نماید و یا «سکوت» کند! و می‌بینیم که افرادی در این راستا، صادقانه کوشیدند و به جای «خوش نشینی»! در خارج و یا «سکوت مصلحت‌آمیز»! در داخل، به نبرد آشکار و پنهان خود ادامه دادند.

برادر زجر دیده و شکنجه شده دوران طاغوت، زنده یاد «علی حجتی کرمانی» در مقدمه مجموعه «بعثت» نشریه مخفی طلاب حوزه علمیه قم در دوران ستمشاهی در باره این فاجعه و اقدامات بعدی رژیم می‌نویسد: «... پس از انتشار خبر شهادت مظلومانه و غریبانه سعیدی، سراسر حوزه علمیه را غباری از غم و اندوه فرا گرفت. هیچ کس جرئت نفس کشیدن نداشت. رژیم تصمیم گرفته بود شدت عمل به خرج دهد. بغض‌ها در گلو و نفس‌ها در سینه حبس شده بود. زجرها و شکنجه‌های ساواک کولاک می‌کرد و به او وحشت و قساوت خود رسیده بود. اکثریت به زندگی عادی و مرگ گونه خود مشغول بودند و افراد معدود و انگشت‌شمار متعهد و مبارز یا در سیاهچال‌های رژیم به سر می‌بردند و یا در گوشه و کنار به مبارزات مخفی و زیرزمینی خود ادامه می‌دادند.

مرحوم شهید مطهری که طبق معمول هفته‌ای یک روز برای تدریس به قم می‌آمد، وقتی پس از این حادثه وارد قم شد، همراه با آقای خسروشاهی و آقای گل‌سرخ‌ی سراسیمه به خدمت شتافتیم. شهادت سعیدی در زندان، او را به شدت متأثر و غمگین ساخته بود. آن چنان محیط وحشت به وجود آمده بود که شهید مطهری در آن محیط امن دستور داد در اطاق را ببستند و در حالی که آهسته سخن می‌گفت، آرام و بی‌مناک، برای ما نقل کرد: «از غندی (منوچهری) جلاد ساواک آقای هاشمی رفسنجانی را سوار اتومبیل خود و کرده و مدت یکی دو ساعت در تهران گردانده و تهدید کرده و تصمیم رژیم را بر اتخاذ شیوه عمل تا مرحله قتل در زیر شکنجه، به اطلاع ایشان رسانده و اخطار کرده است که مواظب خودتان باشید و به اطلاع دوستانتان هم برسانید که ما دیگر تحمل کوچک‌ترین حرکتی را نداریم و به شدت عکس العمل نشان خواهیم داد.

زنده یاد آیت الله ربانی شیرازی همراه شهید آیت الله سعیدی با انتشار اعلامیه‌ای با نام «حوزه علمیه قم» که در نشر آن هر یک از ما، مانند گذشته نقشی را به عهده داشتیم، این بار لبه تیز حمله را به طور مستقیم متوجه «شاه مزدور»، عامل اصلی خیانت‌ها نمودند و «این اقدام ننگین» را «مقدمه استعمار حقیقی و همه‌جانبه ایران» نامیده و از «مردم ایران» خواستند که «به پا خیزید و نگذارید این نقشه خائنانه عملی گردد».

ما ضمن تقبیح این جنایات جدید و ضد انسانی طبقه حاکمه، از مراجع تقلید خواستاریم که هر چه زودتر اقدام کنند و بخواهند که مسببین و عاملین شهادت آیت الله سعیدی به مجازات قانونی برسند. ما آزادی فوری علما و روحانیون بزرگ را خواستاریم و علی رغم فشار و اختناق موجود به مبارزه خود علیه اقدامات ضدقانونی دستگاه ادامه می دهیم.

شهادت آیت الله سعیدی در زیر شکنجه، توقیف و تبعید و شکنجه، دیگر روحانیون بزرگ حوزه علمیه قم و تهران را از ادامه راهی که در راه فاه و آسایش مردم مسلمان ایران و مبارزه بر ضد توطئه های استعمار بین المللی در پیش داریم، باز نمی دارد.

درود بر روان پاک شهدای راه حق.

سلام بر زندانیان بی گناه.

حوزه علمیه قم، جمعه ۲۳/۳/۹۹

... و به دنبال این اعلامیه، نامه ای هم به عنوان تسلیت

ایادی استعمار از سرزمین های اسلامی مسئلت داریم
ادام الله ظلکم علی رؤس الانام
ربیع الثانی/ ۱۳۹۰.

فضلا و محصلین حوزه علمیه قم

پاسخ امام خمینی:

جمادی الاول / ۱۳۹۰

باسمه تعالی

خدمت عموم فضلا و محصلین حوزه های

علمیه ایدهم الله تعالی

حوادث اخیر ایران که قتل فجیع مرحوم سعیدی مرتب بر آنهاست، موجب کمال تأثر است. این تنها مرحوم سعیدی نیست که با این وضع اسف انگیز در گوشه زندان از پای در می آید؛ بلکه چه بسا افراد مظلوم و بی گناه به جرم حقوقی در سیاهچال های زندان، مورد ضرب و شتم و شکنجه های وحشیانه و رفتار غیر انسانی قرار می گیرند.

اسلامی و دیگر ممالک شرقی است. از یک طرف خودباختگی دستگاه ننگین ایران در مقابل استعمار چپ و راست، از طرف دیگر موجب این بدبختی هاست؟ ملت ایران بدانند که اگر خداوند متعال به این دستگاه خودباخته در مقابل اجانب جبار، در مقابل ملت ها مهلت دهد، این آخرین چوب حراج نیست که به مخازن زیرزمینی و روی زمینی این کشور زده شده است. باید منتظر بالاتر باشند، اگر بالاتری باشد. اکنون زراعت، صنعت، معادن، منابع جنگلی و حتی توزیع متاع در سراسر کشور و جلب سیاحان را در اختیار آنان خواهند گذاشت و برای ملت ایران جز باری و کارگری برای سرمایه داران و ذلت و فقر و فاقه چیزی نخواهد ماند.

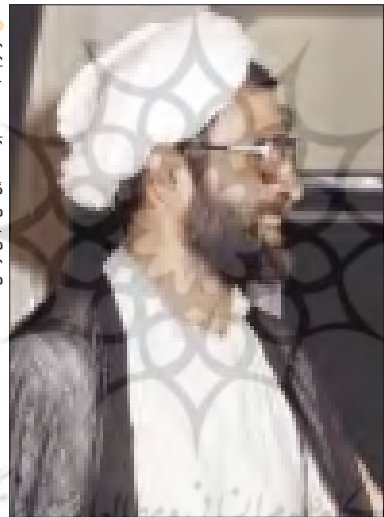
شما از خواب هایی که برای این کشور دیده اند اطلاع ندارید. این جانب به کرات خطر دولت اسرائیل و عمال آن را به ملت گوشزد کرده ام که باید مقاومت منفی کنند و از معاملات با آنها احتراز جویند، اکنون که راه را برای مصیبت بزرگ تری باز کرده اند و ملت را به اسارت سرمایه داران می خواهند در آورند؛ بر رجال دینی و سیاسی و جوانان مدارس دینی و دانشگاه و بر همه طبقات لازم است که قیل از اجرا شدن این واقعه و نتایج مرگبار آن اعتراض کنند و به دنیا برسانند که این قراردادها مخالف رأی ملت است. اینجانب اعلام می کنم، هر قراردادی که با سرمایه داران آمریکا و دیگر مستعمرین بسته شود، مخالف خواست ملت و مخالف احکام اسلام است، وکلای مجلسین ایران چون منتخب ملت نیستند، رأی آنها قانونی نیست و مخالف قانون اساسی و خواست ملت است. در این قضایا باید با نظارت بی طرف جهانی رفتارند تا خواست ملت معلوم گردد. من قتل فجیع این سید بزرگوار و عالم فداکار را که برای حفظ مصالح مسلمین و خدمت به اسلام، جان خود را از دست داد، به ملت اسلام عموماً و خصوصاً به ملت ایران تعزیت می دهم و از خداوند متعال رفع شر دستگاه جبار و عمال کثیف استعمار را مسئلت می نمایم.

والسلام علی من اتبع الهدی
روح الله الموسوی الخمینی

یاد و خاطره شهید سعید، «سعیدی» همواره زنده و جاودان باد

سید هادی خسروشاهی
قم: حوزه علمیه
۲۰ خرداد، ۱۳۶۶

در قم گفته شد که آیت الله سعیدی در زندان شهید شده است! کسی خبر را باور نداشت. ایادی رژیم هم شایع کردند که «وی در زندان خودکشی کرده است»؟! دروغی که جز رسوایی بانیان آن، هیچ اثر دیگری نداشت. پس از اطلاعات موثقی که به دست آمد، روشن شد که در صبح ۲۱ خرداد، دژخیمان طاغوت، سید را در زندان با عمامه خود خفه کرده و جنازه او را همراه پسرش به قم فرستاده اند که در «وادی السلام» دفن شود.



این خوان یغما که مدت هاست مورد هجوم چپی و راستی قرار گرفته و گاهی با صراحت تقسیم گردیده، اکنون با عناوین دیگر، با کمال عوامفریبی نقشه کشی شده و مورد تقسیم قرار گرفته است. از طرفی کارشناسان چپی که مقصود آنها اشارت شرق و ملل اسلامی است به اسم تأسیس کارخانه ذوب آهن (که نفع آن برای استعمار و کسب وجهه دستگاه جبار بیشتر از نفعی است که به ملت می رسد) و از طرف دیگر کارشناسان و سرمایه داران بزرگ آمریکا به اسم عظیم ترین سرمایه گذاری خارجی برای اسارت این ملت مظلوم به ایران هجوم نموده اند. سرمایه دارانی که بنا به نوشته بعضی از روزنامه ها، هر لحظه از عمرشان ده ها هزار دلار قیمت دارد! باید دید برای چه منظور در تهران اجتماع می کنند؟ آیا برای غمخواری و انسان دوستی است؟! کسانی که دنیا را به خاک و خون کشیده اند و ده ها هزار انسان را برای شهوت به زیر خاک کرده اند، در اینجا دوست صمیمی ما هستند؟! این نفوذ دولت ایران و عظمت شاه موجب این امر است؟! (این را هم همه می دانند) یا سودجویی سیاسی و اقتصادی با دامنه وسیع آن است که پایگاهش ایران و دنبال آن سایر ممالک

شهادت مرحوم سعیدی، به حضرت امام، با امضای «فضلا و محصلین حوزه علمیه قم» ارسال گردید که پاسخ حضرت امام بر آن، در جمادی الاول ۱۳۹۰ تیرماه ۴۹ انتشار یافت.
نامه حوزه علمیه قم و پاسخ امام چنین بود:

باسمه تعالی
محضر مبارک مرجع عالیقدر و پیشوای عظیم الشان، حضرت آیت الله العظمی خمینی متع الله المسلمین بطول بقا و جوده الشریف.

با درود فراوان
فاجعه قتل حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای سید محمد رضا سعیدی (قدس سره) به دست حکومت خون آشام ایران در زندان، جهت مبارزه با کنسر سیوم سرمایه داری، قلوب ملت اسلام را جریحه دار ساخت و البته آن مرجع عظیم الشان که همیشه دلسوز و پشتیبان مسلمین می باشند، بیش از هر کسی از این جنایت خونین ناراحت و متأثرند.

ما با نهایت تأسف و تأثر این فاجعه را به پیشگاه مقدس حضرت عالی تسلیت عرض نموده، موفقیت آن حضرت را در پیشبرد اهداف مقدس قرآن، آزادی ملت اسلام و قطع